

نگاهی دیگر به مسألهٔ افت تحصیلی و شیوه‌های مؤثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی

دکتر زهرا بازرگان

مقدمه

از وظایف اساسی آموزش و پرورش عمومی در هر کشور، انتقال میراث فرهنگی جامعه، پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان برای شرکت فعال در جامعه است. عدم موفقیت نظام‌های آموزشی در انجام این رسالت مهم در بسیاری از مواقع به صورت افت یا شکست تحصیلی بروز می‌کند که شامل کیفیت ضعیف یادگیری دانش‌آموزان، تکرار پایه و ترک تحصیل است.

ارائهٔ آموزش و پرورش یکسان برای همهٔ دانش‌آموزان به رغم تفاوت‌های فردی، مسائل و مشکلات عاطفی در خانواده و تفاوت اجتماعی، اقتصادی و به خصوص فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند از دلایل ایجاد کنندهٔ افت تحصیلی محسوب شود. از آن جا که تفاوت فرهنگی خانواده‌ها در شهرهای بزرگ کشورهای در حال رشد، غالباً بارز و آشکار است، نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند برای همهٔ طبقات اجتماعی کارایی لازم را داشته باشد؛ از این رو بسیاری از کودکان و نوجوانان، به خصوص در مناطق محروم، به رغم هوش و استعداد از ادامهٔ تحصیل باز می‌مانند.



می‌دهد که این پدیده در ایران نیز همانند سایر جوامع گزینشی است و همه طبقات اجتماعی به یک نسبت با آن مواجه نیستند. این امر در مناطق محروم و روستایی و در میان حاشیه نشینان شهرها بسیار عمیق‌تر است. برای مثال، آمار افت تحصیلی در سه منطقه تهران (مناطق ۳، ۱۲ و ۱۹) نشان می‌دهد که دانش‌آموزان منطقه ۱۹ که بیش‌تر ساکنان حاشیه‌نشین تهران را در خود جای داده است، در حد وسیع‌تری در معرض این پدیده قرار دارند. (۱)

طی سال‌های اخیر در مورد علل افت تحصیلی مطالعات محدودی در سطح دانشگاه یا وزارت آموزش و پرورش انجام شده است. این نوع مطالعات غالباً یا به عوامل برون‌سازمانی و علل خارجی افت تحصیلی، مانند فقر و محرومیت اقتصادی و شرایط و عوامل فرهنگی - اجتماعی و یا به علل درون‌سازمانی نظیر شرایط آموزشگاه، نامتناسب بودن هدف‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و مقررات مدارس با نیازهای روانی - عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان اشاره داشته‌اند. (۲) اما تحقیقات تجربی خاصی در جهت یافتن راه حل مناسب و آزمایش شیوه‌های مؤثر برای مقابله با آن انجام نگرفته است. البته پس از انقلاب اسلامی اقداماتی رسمی برای مبارزه با این معضل و در جهت افزایش قدرت حفظ و نگهداری دانش‌آموزان در مدرسه انجام شده است که از آن جمله می‌توان به تغذیه رایگان، ایجاد کلاس‌های جبرانی در برخی از مناطق و ایجاد شبانه‌روزی‌ها در مراکز روستاها اشاره کرد. از اقدامات غیرمستقیم در جهت تضمین موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان و تشویق آنان به ادامه تحصیل می‌توان از آموزش اولیا، تعیین سهمیه برای مناطق محروم به منظور ورود به دانشگاه‌ها و... نام برد که

بحث تحلیلی حاضر بر این گروه از دانش‌آموزان تأکید دارد؛ زیرا تساوی در استفاده از فرصت‌های آموزشی همیشه به معنای بهره‌گیری مساوی از آموزش و پرورش ارائه شده در مدرسه و به پایان رساندن یک دوره آموزشی نیست و نظام‌های آموزشی موجود با آن که اهداف بشر دوستانه دارند کم‌تر می‌توانند در رفع تبعیضات اجتماعی موفق شوند.

شکی نیست که جلوگیری از افت تحصیلی از نظر فردی و اجتماعی امری لازم است؛ زیرا هر فرد در جامعه حق دارد که در حد استعداد خود از مواهب و امکانات آموزشی برخوردار شود. از آن گذشته، این امر از اتلاف هزینه‌های به کار رفته برای آموزش و پرورش جلوگیری کرده، جامعه را از استعدادهای و توانایی‌های یکایک افراد برخوردار می‌سازد. کوشش در راه شناخت و سپس پیش‌گیری و مقابله با عقب‌ماندگی‌های تحصیلی کودکان، به ویژه ساکنان مناطق محروم و حاشیه شهرها، از دیرباز در بسیاری از کشورهای غربی رواج یافته است. در سه دهه اخیر نیز نه تنها دولت‌ها خود را موظف به مقابله با این پدیده دانسته‌اند، که بنیادها و سازمان‌های اجتماعی به‌طور داوطلبانه روش‌های خاصی را برای مقابله با افت تحصیلی دانش‌آموزان تجربه کرده‌اند.

وسعت آمار افت تحصیلی در ایران، به خصوص در مناطق محروم، و کمبود مطالعات عمیق برای ریشه‌یابی و مبارزه با این معضل اجتماعی، نگارنده را برآن داشت تا شیوه‌های موفق مبارزه با افت تحصیلی را در غرب بررسی و تحلیل کند.

در ایران شکست تحصیلی زیاد و پرحجم است و از همان سال اول ابتدایی گریبان‌گیر برخی از دانش‌آموزان می‌شود. تحلیل‌های آماری نشان

مستمر به جای امتحانات مقطعی از اقداماتی است که قدرت نگهداری مدرسه را افزایش می‌دهد. اقدام‌های تربیتی - اقدامات تربیتی شامل توسعه مراکز تربیت معلم به عنوان قدم اصلی برای تضمین کارآیی نظام و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، بهبود برنامه‌های آموزش ضمن خدمت و نیز گسترش دوره‌های پیش‌دبستانی به‌خصوص در محله‌ها و مناطقی است که کودکان به علت فقر فرهنگی و مشکلات اقتصادی اولیا آمادگی ادامه تحصیل موفقیت‌آمیز در مدرسه و رقابت با دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مرفه‌تر را ندارند.

اقدام‌های انگیزشی و مادی - این اقدامات شامل تغذیه رایگان، استفاده از لباس و لوازم التحریر رایگان، به ویژه برای دختران مناطقی است که حضور آنان در مدرسه نسبت به پسران کم‌تر است. سایر اقدام‌ها شامل اهدای بورس و هزینه تحصیلی و ارائه امکانات خاص مانند دوچرخه به دانش‌آموزان روستاهای دور افتاده برای حضور در مدرسه است.

مشارکت اولیا و جامعه محلی - جلب مشارکت اولیا به منظور علاقه‌مند کردن آنان به تحصیل و در نتیجه، جلوگیری از افت تحصیلی فرزندانشان انجام می‌گیرد.

تشریک مساعی اولیا شامل شرکت فعال آنان در انجمن‌های اولیا و مربیان و کمک گرفتن از آن‌ها در اداره کلاس و مدرسه تا ساختن یا تجهیز مدرسه به کمک خود آنان می‌باشد.

اقدام‌های غیررسمی - اقدامات غیررسمی به منظور حفظ و نگهداری دانش‌آموزان در مدرسه و جلوگیری از ترک تحصیل با استفاده از امکانات محلی و ایجاد فضاهای آموزشی اضافی انجام می‌گیرد. برای مثال، نهادها یا سازمان‌ها می‌توانند

هر کدام از راه‌های فوق در نوع خود ضروری و مفید است، اما برای پاسخ‌گویی به مشکل شکست تحصیلی خیل عظیمی از دانش‌آموزان کافی به نظر نمی‌رسد.

مقابله با افت تحصیلی در کشورهای آسیا و اقیانوس آرام (۳)

بررسی مسائل آموزش و پرورش در برخی از کشورهای آسیا و اقیانوس آرام، مانند هندوستان، پاکستان، بنگلادش، فیلیپین و تایلند، از طریق گزارش‌های یونسکو نشان می‌دهد که این کشورها نیز در زمینه عوامل بازدارنده تداوم تحصیلات دانش‌آموزان با کشور ما مسائل مشترکی دارند. این تحقیقات به خصوص نمودار این واقعیت است که هر جا فقر بیش‌تر باشد، شکست تحصیلی نیز عمیق است.

این گزارش‌ها، راهبردها و اقداماتی را که این کشورها برای مبارزه با پدیده افت و ترک تحصیلی انجام داده‌اند و نتایج موفقیت‌آمیز اقدامات انجام شده را منعکس می‌کنند. برخی از راهبردهای موفقیت‌آمیز کشورهای آسیا و اقیانوس آرام در زمینه جلوگیری از افت تحصیلی به شرح زیر است:

اقدام‌های سازمانی - در بین اقدام‌های سازمانی، ارتقای اتوماتیک دانش‌آموزان از همه رنج‌تراست. در این روش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند که بدون گذراندن امتحان به کلاس بالاتر بروند. این کار باعث می‌شود که کودکان قشرهای محروم بتوانند لااقل یک دوره تحصیلی را به پایان برسانند. بدیهی است چنین برخوردی به همراه اقدامات تربیتی و به‌کارگیری معلمان با صلاحیت انجام می‌گیرد تا همه کودکان بتوانند با سطح مورد انتظار کلاس پیش بروند. جای‌گزینی ارزش‌یابی



البته بر اساس آمارهای بین‌المللی، طی چند سال اخیر پیشرفت‌های زیادی در این مناطق چه در سطح آموزش کودکان و چه از نظر حفظ و نگهداری آنان در مدرسه - حاصل شده و این اقدام‌ها در بعضی مناطق، به خصوص در برخی از ایالات هندوستان، بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. اما به هر حال مسأله افت تحصیلی به قوت خود باقی است و اقدام‌های فوق توانسته به ریشه کن کردن و حتی کاهش قابل ملاحظه این معضل بینجامد.

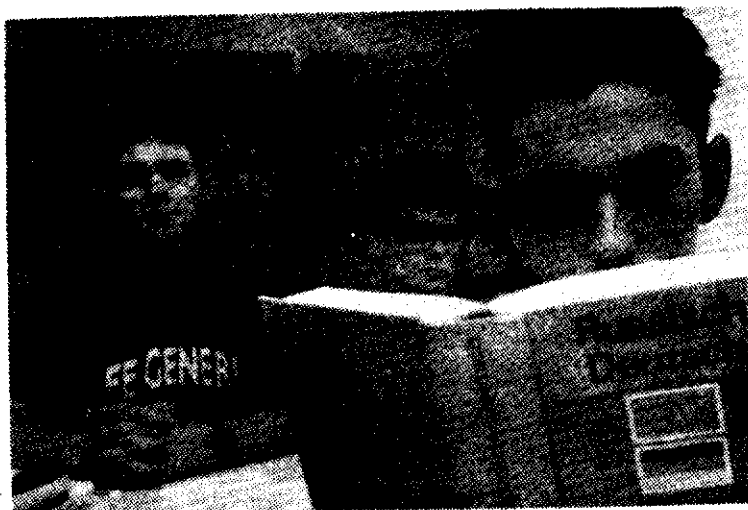
افت تحصیلی در غرب و شیوه‌های

مبارزه با آن

مطالعات مربوط به افت تحصیلی در غرب بسیار فراوان بوده و اعتبارات قابل توجهی برای پژوهش در زمینه رفع این مشکل اجتماعی اختصاص داده شده است. مطالعات مزبور هم در زمینه عوامل ایجادکننده افت تحصیلی است و هم

به عنوان مکمل مدرسه عمل کنند و در بخشی از مسئولیت‌های مدرسه شریک شوند. در بنگلادش و اندونزی دانش‌آموزان می‌توانند برای دو سال اول دوره ابتدایی از امکانات محلی استفاده کنند و سپس برای شروع آموزش رسمی به مدرسه بروند. در پاکستان از مساجد به عنوان مکمل آموزش رسمی استفاده می‌شود. بدین ترتیب از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ آموزش دانش‌آموزان کلاس اول تا سوم ابتدایی این کشورها در ۸۲۰۰ مسجد انجام گرفته است.

اکثر اقدام‌های فوق بر این فرض قرار گرفته است که دانش‌آموزان معمولاً به دلیل مضیقه‌های مادی دچار عقب‌ماندگی تحصیلی و ترک تحصیل می‌شوند؛ به این ترتیب اگر از نظر مادی تأمین شوند در مدرسه می‌مانند و موفق هم می‌شوند. دیگر این که اختلاف فرهنگ کودکان با فرهنگ غالب در مدرسه به شکست تحصیلی منجر می‌گردد؛ بنابراین باید در کاهش این اختلاف و پر کردن فاصله بین دو فرهنگ کوشید.



هم چنین مطالعاتی که در مورد علل شکست تحصیلی انجام گرفت، عامل فردی را به عنوان مهم ترین دلیل شکست تحصیلی مورد تردید قرار داد.

۲- افت تحصیلی و کمبودهای خانوادگی

از اواسط قرن بیستم به تدریج شکست تحصیلی نه به عنوان پدیده‌ای فردی، که به عنوان مسأله‌ای اجتماعی مورد توجه کشورهای غربی قرار گرفت و در بین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ سرمایه‌گذاری‌های وسیعی برای مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی اختصاص داده شد. در این دوران بسیاری از متخصصان، عوامل اجتماعی - فرهنگی را دلیل افت تحصیلی دانستند. در این مورد می‌توان به تحقیقات کلمن (۱۹۶۰) در آمریکا، تحقیقات پلادن (۱۹۶۳) در انگلستان در مورد کودکان ۱۱ سال به بالا و پژوهش‌های دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت در زمینه نابرابری فرصت‌های آموزشی اشاره کرد. تحقیقات فوق بدون این که نقش عوامل و خصوصیات فردی را

روش‌های پیش‌گیری و مقابله با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. (۴)

در بررسی پژوهش‌های انجام شده در غرب سه گرایش عمده در زمینه توضیح و مقابله با این پدیده اجتماعی وجود دارد:

۱- افت تحصیلی و عوامل فردی

در شروع قرن بیستم عقب ماندگی تحصیلی را به طور عمده ناشی از عوامل فردی دانسته، خصوصیات شخصیتی، کمبودهای ذهنی، اختلالات روانی و عاطفی را از عوامل عمده شکست تحصیلی دانش آموز تلقی می‌کردند. در آن زمان اعتقاد بر این بود که اگر با وجود امکاناتی که برای برخورداری از آموزش و پرورش در اختیار کودک قرار می‌گیرد او نتواند به موفقیت تحصیلی دست یابد، این امر ناشی از تنبلی یا عقب ماندگی ذهنی اوست. (۵)

اما افزایش تقاضا برای آموزش و پرورش و در نتیجه، شکست تحصیلی گروه‌های عظیمی از دانش آموزان قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و

تأکید کردند و اعلام داشتند که مشکل اصلی در ناسازگاری دانش آموزان با محیط مدرسه و برنامه‌های آموزشی آن نیست، و اشکال اساسی به ناتوانی مدرسه در سازگار کردن خود با کودکان طبقات محروم جامعه و نیازهای آنان بر می‌گردد. "بورديو" و "پاسرون" در تحلیل مکانیسم موانعی که در مقابل تحرک اجتماعی قرار دارد، مدرسه را با معیارها و نظام ارزش‌یابی آن محکوم کردند و به عنوان عامل اصلی تبعیض اجتماعی و مسؤول طبقه‌بندی کردن افراد جامعه معرفی نمودند. بورديو می‌گوید: "مدرسه ابتدایی که باید عامل اصلی برقراری تساوی اجتماعی باشد خود در حقیقت بزرگ‌ترین عامل تبعیض است. مدرسه ابتدایی ابزار پیشرفت و ترقی کودکان طبقه مرفه می‌باشد و بر اساس فرهنگ طبقه متوسط و انتظارات این طبقه شکل گرفته است." (۹)

نفی کند، بر شرایط اجتماعی - اقتصادی و کمبود انگیزه در محیط خانواده و روش‌های تربیتی نامناسب تأکید کرده، رابطه مستقیمی را بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و شکست تحصیلی جست و جو می‌نماید. (۶) این تلقی از شکست تحصیلی باعث به وجود آمدن مدل‌ها روش‌های اصلاحی و جبرانی خاصی شد که میلیون‌ها دلار هزینه در برداشت. در این دوران اعتقاد بر این بود که فرزندان طبقات محروم جامعه به علت شرایط خاص خانوادگی دچار کمبودهایی از نظر هوش اکتسابی و رشد کلامی و اجتماعی هستند و مدرسه باید بتواند این کمبودهای خانواده‌های محروم را جبران کند. این طرز تفکر و ظهور آموزش و پرورش جبرانی نیز بر پایه چنین فلسفه‌ای قرار دارد که شکست تحصیلی ناشی از کمبودهای فرهنگی یادگیرنده است؛ بنابراین مدرسه و سیاست‌های حاکم بر آن هنوز مورد سؤال قرار نگرفته بود.

۳- افت تحصیلی و عوامل درون مدرسه

گرایش سوم که از اواخر سال‌های ۱۹۶۰ میلادی و در سال‌های ۱۹۷۰ موضوع مقالات مربوط به جامعه‌شناسی را در غرب به خود اختصاص داده بود، شکست تحصیلی را ناشی از عوامل درون سازمانی یعنی عوامل مربوط به مدرسه می‌داند. جریان فکری فوق نقش‌گزینی مدرسه را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ نقشی که به طرد و محروم کردن گروه‌های بی‌شماری از دانش‌آموزان می‌انجامد. در این زمینه جامعه‌شناسانی مانند سورديو و پاسرون (۷)، استابله و بودلو (۸) در فرانسه از پیشگامان این جریان فکری هستند که به عدم تناسب مدرسه با شرایط، امکانات و نیازهای کودکان طبقه محروم

این جریان فکری محتوا و روش‌های آموزش و پرورش، روابط حاکم بر مدرسه، نظام ارزش‌یابی، انتظارات و مقررات مدرسه را زیر سؤال قرار داد و اعلام کرد که مدرسه نقشی گزینی دارد و برای کسانی مناسب است که پیش از این که قدم به صحن مدرسه بگذارند از محیط خانوادگی و روش‌های تربیتی خاصی بهره‌مند بوده‌اند؛ اما کودکان طبقه محروم با عدم آمادگی قبلی، با تجربیات ناموفق و تلخ مدرسه، با پیش‌داوری و انتظار منفی معلمان، با انتظارات خشک و ساختار سلسله‌مراتبی مدرسه نمی‌توانند رابطه‌ای مثبت با درس و تحصیل برقرار کنند و در نتیجه، با از دست دادن اعتماد به نفس خود دچار عقب‌ماندگی تحصیلی می‌شوند.

آموزش و پرورش از افکار و ایده‌های آنان سرچشمه گرفته است. البته مدل‌هایی که با الهام دانشمندان مزبور در دو دهه اخیر توسعه پیدا کرده لزوماً برای مبارزه با افت تحصیلی نیست؛ اما پیام اصلی آنان این است که همه کودکان می‌توانند موفق شوند، مشروط بر این که نوع آموزش و پرورش ارائه شده در مدرسه با نیازهای رشد، انگیزه و توانایی‌های کودکان سازگار باشد.

از بین مدل‌هایی که در این خط فکری مطرح شده و رواج یافته است، می‌توان آموزش و پرورش انسان‌گرا^۱، آموزش و پرورش انفرادی شده^۲، آموزش و پرورش کمال‌گرا یا آموزش موفقیت‌گرا^۳ را نام برد. بدیهی است این دو دیدگاه، چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ ایدئولوژیکی، کاملاً تفاوت دارد. آنان که با مشروعیت بخشیدن به مدرسه در تلاش هستند که به بازده آن بیفزایند با محققانی که می‌کوشند مدرسه را تغییر دهند تا جامعه و روابط حاکم در آن تغییر کند تصورشان از کودک، از هدف‌های تربیتی و نقش مدرسه متفاوت است.

در این مقاله چند نوع از روش‌های برخورد با افت تحصیلی که در چند سال اخیر تحت عنوان دیدگاه اصلاحی یا درمانی مطرح شده است، بررسی می‌شود تا در فرصت دیگر شیوه‌های ایجاد تغییر و تحول اساسی در مدرسه نیز مورد تحلیل قرار گیرد.

روش‌های اصلاحی و درمانی آموزش و

پرورش

در بین روش‌های اصلاحی و درمانی آموزش و پرورش برای مقابله با افت تحصیلی در مدرسه به دو گرایش عمده برخورد می‌کنیم: گرایش اول شامل آموزش و پرورش جبرانی، کلاس‌های

شیوه‌های برخورد با پدیده افت تحصیلی در غرب

در کشورهای غربی بر اساس تفکرات فوق و جریان‌های فکری متفاوت، برخوردهای گوناگونی با مسأله افت تحصیلی صورت می‌گیرد که این برخوردها در دو خط فکری مختلف و بر دو پایه استوار است:

۱- روش‌های ترمیمی و جبرانی مقابله با افت تحصیلی

هدف از اجرای این روش‌ها از یک سو جبران کمبودهای اجتماعی - فرهنگی دانش‌آموزان و کاهش تفاوتی است که بین دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف وجود دارد و از سوی دیگر، تلاش در جهت افزایش بازدهی نظام آموزشی است. اکثر این برنامه‌ها دانش‌آموزان را زیر پوشش قرار می‌دهد؛ اما گاهی اولیا و معلمان را نیز به منظور تضمین اثربخشی بیش‌تر برنامه به مشارکت می‌طلبند.

۲- روش‌های تغییر و تحول بنیادی مدرسه

جریان‌های فکری فوق، مدرسه را به عنوان وسیله‌ای ممتاز برای ایجاد تغییر و تحول در جامعه تلقی می‌کند؛ به شرط این که مدرسه بتواند با تغییر بنیادی در هدف‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و روابط حاکم، خود را تغییر دهد و با نیازهای رشد و زندگی دانش‌آموزان طبقات اجتماعی مختلف تطبیق یابد. بدین ترتیب برخلاف روش‌های جبرانی که غالباً کودک را با محیط مدرسه سازگار می‌کند، هدف از جنبش فکری اخیر این است که مدرسه را با کودکان سازگار نماید.

از پیشگامان فکری این مکتب می‌توان به مریانی مانند دکتر دکرولی، راجرز و فرنه^۱ اشاره کرد که در نیمه دوم قرن اخیر بسیاری از تحولات

الف - آموزش و پرورش جبرانی^۵

آموزش و پرورش جبرانی از وسیع‌ترین و پرهزینه‌ترین پروژه‌هایی است که در چند دهه اخیر در زمینه مقابله با افت تحصیلی طراحی و اجرا شده است.

نظریه آموزش و پرورش جبرانی که از اوایل سال‌های ۱۹۶۰ ابتدا در آمریکا و سپس در اروپا مطرح شد، بر اساس این فرضیه قرار دارد که دانش‌آموزانی که دچار افت تحصیلی می‌شوند معمولاً از قشرهای محروم و غیرمرفه جامعه‌اند و مشکلات اصلی آنان ناشی از کمبودهای محیط فرهنگی و اجتماعی خانواده است. از این‌رو مدرسه باید با ارائه فعالیت‌های خاص در داخل و خارج مدرسه (با استفاده از امکانات متعدد

تطبیقی، آموزش متقابل و خدمات حمایتی در مدرسه است. هدف از شیوه‌های آموزشی فوق ارائه اقداماتی به منظور بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و افزایش کارایی مدرسه است. این روش‌ها نظام آموزشی، مدرسه و اهداف آن را زیر سؤال قرار نمی‌دهد. هدف این است که دانش و مهارت‌هایی به کودکان منتقل گردد و دانش‌آموزان به ابزاری مجهز شوند که بتوانند در جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی از آن استفاده کنند. گرایش دوم بیش‌تر هدف اجتماعی دارد. معلمان و طرفداران این گرایش در مدرسه توانایی حل مسائل تربیتی را به خصوص برای دانش‌آموزان محروم در خود نمی‌بینند و عقیده دارند که باید کوشش‌های همه عوامل و سازمان‌های ذینفع در جهت بهبود آموزش و پرورش این‌نوع دانش‌آموزان متمرکز شود.



هدف طرفداران این گرایش تنها بهبود وضعیت تحصیلی کودکان نیست؛ هدف اصلی مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی و تغییر روابط حاکم است. جنبش مدارس تکلیف شب، تعیین مناطق اولویت‌دار از نظر آموزش و پرورش و آموزش خانواده از نگرش فوق‌نشاط گرفته است. علاقه‌مندان این طرز تفکر نه تنها کودکان را در داخل و خارج مدرسه زیر پوشش فعالیت‌های مختلف آموزشی و پرورشی قرار می‌دهند؛ که اولیا و جامعه محلی را هم در برمی‌گیرند و از همکاری سازمان‌های محلی در غنی کردن محیط و فعالیت‌های مدرسه استفاده می‌کنند.

در این بخش شرح مختصری در مورد هر یک از روش‌های فوق ارائه می‌شود:

کلامی و کمبود انگیزه پیشرفت، به رفع کمبودها در زمینه‌های فوق توجه کرد و برای ایجاد انگیزه بیش‌تر در دانش‌آموز همه امکانات مادی و معنوی مدرسه را به کار گرفت. بدین منظور دوره‌های فشرده آموزشی برای تجهیز معلمان به مؤثرترین روش‌های تدریس به دانش‌آموزان محروم و پاسخ‌گویی به نیازهای ویژه آنان ترتیب یافت و انگیزه‌های مادی قابل توجهی برای این معلمان در نظر گرفته شد.

اثرات آموزش و پرورش جبرانی

از تأثیرات مهم برنامه‌های جبرانی توجه دادن به اثرهای محیط خانوادگی بر رشد کودک و مطرح ساختن جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی شکست تحصیلی بود. این برنامه باعث شد که ضرورت ایجاد آموزش و پرورش متناسب با نیازهای کودکان، به خصوص دانش‌آموزان محروم، مطرح گردد.

با این که برنامه‌های جبرانی انواع مختلفی دارد، ارزش‌یابی از برخی برنامه‌ها نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده در مورد موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان چندان قابل توجه نیست و با این که ارزش‌یابی فوری پس از اجرای برنامه‌ها از نظر رشد عاطفی و مهارت‌های کلامی مثبت است، این اثرها هنگامی که خانواده مشارکت و همکاری لازم را برای تداوم برنامه نداشته باشد ناپایدار می‌شود. برنشتاین بر این اعتقاد است که اثرات ضایع‌کننده محیط خانوادگی نامطلوب را نمی‌توان بدون تغییر محیط خانوادگی در کودک از بین برد. برونفنبرنر در انتقاد به آموزش و پرورش جبرانی می‌گوید: "آموزش و پرورش جبرانی توجه جامعه را از سازمان درون مدرسه و اثرات منفی آن بر خانواده و کودک متمرکز می‌نماید."

ایرادی که مریبان از نظر اخلاقی به این نوع

آموزشی، برنامه‌های تسلیزبونی، تنظیم گردش‌های علمی، کلاس‌های تقویتی و تفریحی و غیره...) کمبودهای فرهنگی آنان را جبران کند تا تفاوت موجود بین کودکان خانواده‌های مرفه و طبقات محروم جامعه کاهش پیدا کند.

طرفداران این جنبش بر کمبودهای رشد این کودکان، چه از نظر هوش و چه از نظر کلامی و عاطفی، تأکید دارند و بنابراین می‌کوشند با تنظیم برنامه‌های آموزشی و تربیتی خاص، کودکان را برای تسلط بر درس‌های مشکل آماده کنند. برنامه‌های جبرانی بر خلاف آنچه در ایران به نام کلاس‌های جبرانی مشهور شده است، تنها بر تقویت درسی متمرکز نیست و کلاس‌های تقویتی بخش کوچکی از محتوای آموزش و پرورش جبرانی را تشکیل می‌دهد.

- برنامه‌های متنوع جبرانی

پروژه‌های جبرانی به طور کلی بر دو نوع است: مشهورترین برنامه‌ها یکی برنامه‌هایی از نوع برنامه معروف هداستارت^۶ است. این برنامه با توجه به اهمیت دوران کودکی در رشد ذهنی کودک جنبه پیش‌گیری داشته، اغلب بر دوران پیش دبستانی تأکید دارد و هدف آن رشد توانایی‌های شناختی و کلامی کودکان است.

نوع دوم برنامه‌هایی از نوع پروژه فالوترو^۷ است. هدف از این برنامه که کودکان و به خصوص نوجوانان را زیر پوشش قرار می‌دهد، ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموز و در خانواده در مورد درس و تحصیل است. برخی از برنامه‌ها به مسائل شخصیتی دانش‌آموز، پذیرش خود و ایجاد احساس امنیت و استقلال در دانش‌آموز توجه دارد. این برنامه‌ها در ابتدا بر تقویت هوش و رشد شناختی متمرکز بود؛ اما به تدریج با توجه به نارسایی‌های کودکان طبقات محروم از نظر رشد



پداگوژی وارد کرده‌اند این است که فرهنگ طبقات اجتماعی غیرمرفه، کم‌بها و عاملی بازدارنده برای رشد و پیشرفت فرزندان این طبقه تلقی شده است.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- 1- DECROLY ,O, ROGERS,C., FREINET
- 2- PEDAGOGIE HUMANISTE
- 3- PEDAGOGIE DIFFEINCIIEE
- 4- PEDAGOGIE DE SUCCES
- 5- COMPENSATORY EDUCATION
- 6- HEAD START
- 7- FOLLOW THROUGH

نقل از فصلنامهٔ تعلیم و تربیت - شمارهٔ ۵۹
نشریهٔ پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت

منابع:

1-BAZARGAN, ZAHRA,(1990) LES CLASSES DE DEVOIRS, UNE SOLUTION AUX PROBLEMES DE L ECHEC SCOLAIRE DES ENFANTS DU MILIEUX DEFVORISES DE TEHRAN. U.L.B. BRUXELLES

۲- امین فر، مرتضی: علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن، فصلنامهٔ تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، بهار و تابستان ۱۳۶۸، صفحه ۹-۳۷.

3- THE DROP - OUT PROBLEM IN PRIMARY EDUCATION (1984), UNESCO, REG. OFFICE FOR EDUCATION, ASIA AND THE PACIFIC, BANGKOKE.

4- SAND ET AL(1982), L ECHEC SCOLAIRE L ECOLE PRIMAIRE, ASPECTS PSYCHO - SOCIAUX - PREVENTION. RECHERCHE EN EDUCATION, BRUXELLES.

5- HUSON, T.(1976). L ECOLE EN QUESTION, LIEGE, BRUXELLES, MARADAGA.

6-VIAL, M., AND STAMBAKE, M, (1983).LE HANDICAP SOCIO - CULTUREL EN QUESTION, PARIS, CRESAS.

7-BOURDIEU, ET PASSERON,J (1964) LES HERITIERS ET LA CULTURE, ED. DE MINUIT, PARIS.

8- BAUDELLOT, C ET ESTABLET, R, (1972), L ECOLE CAPITALISTE EN FRANCE, PARIS, MASPERO.

9- BOURDIEU, PET PASSERON , J (1964) , IDEM, P. 192.